

غزل شماره ۳۰۲

خوش خبر باشی ای نسیم شمال

که به مامی رسد زمانِ وصال

هَضَّةُ الْعِشْقِ، لَا انْفِصَامَ لَهَا

فُصِّمَتْ هَاهُنَا لِسَانُ الْقَالَ

مَا لَسَلْمَى وَمِنْ بَدَى سَلَمٍ

أَيْنَ حَيْرَاتَا وَكَيْفَ أِحْوَالِ

عَفَّتِ الدَّارُ بَعْدَ عَافِيَةٍ

فَسَأَلُوا حَالَهَا عَنِ الْأَطْلَالِ

فِي جَمَالِ الْكَمَالِ نِلْتِ مَنْى

صَرَفَ اللهُ عَنْكَ عَيْنَ كَمَالِ

يَا بَرِيدَ الْحَمِي حَمَاكَ اللهُ

مَرْجَباً مَرْجَبَاتُ اللهِ تَعَالَى

يَا بَرِيدَ الْحَمِي حَمَاكَ اللهُ

مَرْجَباً مَرْجَبَاتُ اللهِ تَعَالَى

عرصه بزرگاه خالی ماند

از حریفان و جام مالامال

سایه افکند حالیشبِ بجر

تا چه بازند شبروانِ خیال

ترکِ ماسوی کس نمی نگرد

آه از این کبریا و جاه و جلال

حافظا عشق و صابری تا چند؟

نالۀ عاشقان خوش است، بنال

تفسیر فال

خبری که مدت‌ها در انتظارش بودی، سرانجام به دستت رسیده است. زمان وصال و پیوستن به آنچه که آرزویت را داشتی، نزدیک‌تر از هر زمان دیگری به نظر می‌رسد. قصه عشق با تمام زیبایی‌ها و چالش‌هایش آغاز شده و دوران جدایی و فراق به پایان رسیده است. اکنون تو نیز در آستانه رسیدن به کمال و جمالی هستی که شایسته‌اش بوده‌ای. میدان برای نشان دادن هنرهایت خالی است؛ بنابراین، مرد میدان باش و با شجاعت و اعتماد به نفس، استعدادهایت را در این عرصه نمایان کن. این فرصت را غنیمت شمار و اجازه نده که لحظه‌ها از دست بروند.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)